



هویت انسانی و رسالت عطار و مولانا در حلقه‌های پیوسته کائنات، با تأکید بر اسرارنامه عاطفه عزیزی^۱، بتول فخر اسلام^۲

۱- دانشجوی دکتری تخصصی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی نیشابور

۲- استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد نیشابور

چکیده

عطار عارفی است که هفت وادی عشق را پشت سر گذاشته است. او دو وظیفه‌ی خطیر دارد، انتقال آنچه دیده و درک نموده و سکوت، که لازمه‌ی راه سلوک است. از آنجا که دید او نسبت به جهان هستی انفسی است به دیده مهر به جهان هستی می‌نگرد. او به انسان از دو زاویه می‌نگرد، نور الهی و کفی خاک، مقام اعلا و اسفل. او در اشعار خود چون پدری مهربان کمک می‌کند تا جنبه‌ی اسفل انسان را هم سو با جنبه‌ی اعلا او بیرواند و در این راه رسالت انسان را بیان می‌کند. این پژوهش با روش تحلیلی-تطبیقی بر آن است که دیدگاه عطار را نسبت به خود، خلق و خدا بررسی نماید و در این موارد، نوع روابط عطار و مولانا را بررسی، واکاوی و ارزیابی تطبیقی کند. به راحتی نمی‌توان در اشعار عطار، او را از انسان‌های دیگر جدا دانست، او در اشعارش رسالت و آرمان انسانی را برای خود و انسان‌های دیگر بیان می‌کند. با این نگرش، او از خود عبور می‌کند و با خلاقیت چون عکس و سایه‌ی درگاه الهی برخورد می‌کند. در دیدگاه عطار، انسان نور مشکات است، یعنی انسان، خود چراغ راه خویش است. در این نگرش، رسالت انسان؛ پیوند با نور الهی، دریافت معانی و بیان آنها، رهایی از چاه زندان و رهایی از خود و در پایان اینکه «خاموش» و باوقار نگاه‌دارنده‌ی سِرِ الهی است. واژه-های کلیدی: انسان، عرفان، عشق، رسالت، نور الهی